



ویلهلم لیکنشت (۱۸۲۶-۱۹۰۰) انقلابی آلمانی، رفیق و دوست نزدیک مارکس در اتحادیه‌های کمونیست‌ها در دهه ۱۸۴۰ و از پیش‌کسوتان و رهبران حزب سوسیال دموکرات آلمان.

لیکنشت عزیز

خبر آزادی تو و بیل و برانشوایگی‌ها به ما رسید و موجب شادمانی شورای کل گردید. به نظر می‌رسد که پارسی‌ها مغلوب شده‌اند. تقصیر خودشان است اما تقصیری که عملاً از خوش نیتی آنها ناشی می‌شود. کمیته‌ی مرکزی [گارد ملی] و بعداً کمون به تیرس - این فسقلی بد نهاد - فرصت دادند که نیروی خصم را متمرکز سازد زیرا:

۱- آنها به نحوی ابلهانه مایل نبودند جنگ داخلی را شروع کنند. مثل اینکه تیرس با تلاش خود برای خلع سلاح قهرآمیز پاریس آنرا [جنگ داخلی را] آغاز نکرده بود، مثل اینکه مجلس ملی - که فقط برای آن فراخوانده شده بود که درباره‌ی جنگ یا صلح با پروسی‌ها تصمیم بگیرد فوراً به جمهوری اعلان جنگ نداده بود!

۲- بخاطر آنکه نسبت غصب قهرآمیز به آنها داده نشود، لحظات گرانبهائی را تلف کردند (بایستی بعد از به زانو درآوردن ارتجاعیون در پاریس، بلافاصله به سوی ورسای پیشروی می‌کردند) با انتخابات کمون و سازماندهی آن و غیره موجب اتلاف وقت شدند.

از تمام مطالبی که تو در روزنامه‌ها راجع به وقایع پاریس می‌خوانی یک کلمه‌اش را هم نباید باور کنی، همه‌ی آنها جعلی و دروغ‌اند. ردالت روزنامه نگاری بورژوائی هرگز اینطور سنگ تمام نگذاشته است.

این وجه مشخصه‌ی قضیه است که امپراتور آلمان واحد و پارلمان واحد در برلین به هیچ وجه برای دنیای خارج وجود ندارد و هر نسیم ملایم پارسی بیشتر از آنها توجه برمی‌انگیزد. شما باید اتفاقات شاهزاده نشینهای دانوب را با دقت تعقیب کنید. اگر انقلاب در پاریس موقتاً دچار شکست شود - گرچه در اینجا نیز جنبش را می‌توان فقط برای مدت کوتاهی فرونشاند - آنوقت جنگ جدیدی از شرق اروپا شروع می‌شود و رومانی اولین بهانه را در این مورد به دست تزار از خود راضی [الکساندر دوم] خواهد داد. بنابراین مواظب آن طرف باشید

لندن ۶ آوریل ۱۸۷۱